توسن
هفته نامه
هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، منطقه جنوب شرق کشور

دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴، سال دهم، شماره ۲۳۳ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان - توزیع در استان های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و خراسان جنوبی

گفتگو «توسن» با یاسین کیانی، منتقد فرهنگی:

زاهدان، شهر وادادده در مقابل مدرنیته

صفحه ۸

شهریاری مطرح کرد:

موج بی‌تدبیری در سیستان و بلوچستان

همین صفحه

معاون استاندار و مسئول ستاد روحانی به مردم استان اهانت کرد

توهین به مردم استان

«بدون عذرخواهی!»

صفحه ۲

تیترهای هفته

نماینده سیستان:

چرا توفان‌های شن سیستان کاشانه پایتخت‌نشینان را تکان نمی‌دهد

صفحه ۳

به نام توسعه، به کام تجدد

نگاهی به رویکرد توسعه محور مدیریت استان

صفحه ٤

مولوی عبدالرحمن:

امام خمینی با توفیق خداوند کلامش، کلام قرآن شد

صفحه ٦

آیا زمان تغییرات در مجموعه مدیریتی استان نرسیده است؟

صفحه ۲

خبر

تاکید رهبری بر توسعه سواحل مکران

به گزارش «توسن»، سردار سرتیپ پاسدار دکتر حسین دهقان که با همراهی فرمانده نیروی دریایی ارتش، وزیر صنعت، معدن و تجارت و جمعی از مسئولان از منطقه سوم دریایی کنارک بازدید می‌کرد، با اشاره به تاکیدات فرمانده معظم کل قوا مبنی بر توسعه سواحل مکران اظهار داشت: پس از تاکیدات ایشان نیروی دریایی برای حضور در منطقه و توسعه آن پیشرو بوده است.

وی با اشاره به استقرار واحدهای نظامی زودتر از سایر ارگان‌ها و سازمان‌ها در این منطقه تصریح کرد: با استقرار واحدهای تولیدی و اقتصادی و مشارکت بخش خصوصی در ایجاد این واحدها می‌توان به توسعه منطقه کمک کرد.

وزیر دفاع با اشاره به همکاری نیروی دریایی ارتش در توسعه سواحل خاطرنشان کرد: این نیرو برای توسعه سواحل مکران تمامی همکاری‌ها را خواهد داشت.

امیر دریادار حبیب‌الله سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه ایجاد زیرساخت‌ها در سواحل مکران و حضور مقتدرانه نیروی دریایی در این منطقه در آینده‌ای نزدیک شاهد توسعه سواحل مکران خواهیم بود، گفت: عزیمت صیادان به آب‌های دور و امنیت شناورهای کشور در اقیانوس هند نتیجه حضور مقتدرانه نیروی دریایی است.

منبع: فارس

شهریاری مطرح کرد:

موج بی‌تدبیری در استان

به گزارش «توسن»، حسنعلی شهریاری در گفتگو با مهر گفت: مردم انتظار دارند که برای هامون و هامون نشینان اقدام علمی شود تا دیگر شاهد این‌همه سختی و پدیده‌هایی که سلامت مردم را تهدید می‌کند نباشیم.

وی افزود: سیستان هم جزئی از ایران است، پس نگاهمان را جامع محور و دلسوزانه قرار دهیم، چرا باید مردمان این دیار این‌گونه در سختی غوطه‌ور بوده آن‌وقت چاره‌ای برای آنان اندیشیده نشود.

نیمی از جوانان تحصیل‌کرده سیستان و بلوچستان بیکارند

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: فقر و بی‌کاری متأسفانه معضل اصلی استان سیستان و بلوچستان است و تعداد بیکاران استان هرروز بیشتر می‌شوند و بعد از گذشت ۲ سال از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید متأسفانه اشتغالی در استان به وجود نیامده است و دولت هنوز نتوانسته اقدامی در رابطه با اشتغال جوانان انجام دهد.

وی تأکید کرد: معضلاتی که در استان سیستان و بلوچستان به وجود می‌آید به دلیل معضل بیکاری و فقر است.

نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت سرمایه‌گذاری جدی دولت در سیستان برای افزایش اشتغال، گفت: بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی در سیستان به دلیل افزایش بیکاری است.

شهریاری گفت: البته تعدادی پروژه بزرگ از دولت قبل باقی‌مانده که این دولت قرار بود اقدامات لازم را برای اجرای آن‌ها انجام دهد، هرچند که در خصوص این موضوع هم هنوز تحول قابل‌توجهی رخ نداده است.

شهریاری بیان کرد: حتی صنایع کوچک در شهرک‌های صنعتی نیز متأسفانه به دلیل مشکلات اقتصادی دچار بحران شدند.

بی‌تدبیری جدی در سیستان و بلوچستان وجود دارد

شهریاری گفت: متأسفانه ما هرروز شاهد این هستیم که تعدادی از هم‌وطنان ما در استان سیستان و بلوچستان به شهادت می‌رسند، چند نفر به دلیل حمل چند گالن گازوئیل در ماشین می‌سوزند یا مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند، قسمت‌هایی از مرزها مسدود شده و این موضوع موجب سخت شدن زندگی مردم مرزنشین شده است، اکنون شرایط به‌گونه‌ای که یک بی‌تدبیری جدی را مردم در استان احساس می‌کنند.

تجمیع نظر در ایجاد امنیت سیستان و بلوچستان امری ضروری است

نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی گفت: باید در فضای امنیتی استان به دنبال ایجاد زبان واحد باشیم تا روزبه‌روز امنیت در این خطه از مرزها پایدارتر شود.

رئیس گروه بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفت: درمجموع امنیت استان شرایط بهتری دارد، اما اختلاف‌ها به سبب گروه‌های افراطی و وهابی است که مسائل را قومی و مذهبی می‌کنند و عده‌ای از مردم بی‌گناه را تحت مسائل مذهبی در این خطه به شهادت می‌رسانند.

وی تأکید کرد: تروریست‌ها تاکنون به‌راحتی با استفاده از مرزهای پاکستان بیش از سه هزار نفر از مردم این خطه را شهید کردند، تنها راه‌نشان دادن اقتدار جمهوری اسلامی ایران ورود به مرزها و تعقیب آنان در خاک پاکستان است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: عده‌ای با تفکرهای افراطی کشتار شیعیان را به‌منظور ایجاد تفرقه و بر هم زدن وحدت در دستور کار قرار داده‌اند که باید در این زمینه هوشیار بود، اگر معلمی و فرزندی از ما شهید شد بازهم با حفظ وحدت نشان دادیم که تحرکات آنان پوچ و بی‌اساس است و این نگاه باید همواره حفظ شود.

وی با تأکید بر خلع سلاح عمومی در استان اضافه کرد: دستگاه‌های نظامی و امنیتی قبل از ارائه سلاح باید تائید صلاحیت افراد را بررسی کنند، دال بر گفته یک ریش‌سفید و معتمد نمی‌شود سلاح در سطوح مختلف جامعه توزیع کرد.

نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی گفت: باید هوشیار بود و با رصد جریان‌های افراطی با این توطئه‌ها مقابله کرد و از سوئی نیز رسانه‌ها با توجه به شرایط سیستان و بلوچستان از حالت سکوت خارج‌شده و احقاق حق مردم را در دستور کار خود قرار دهند.

آقای استاندار؛ «هر ماه یک رویداد فرهنگی» چه شد؟

~~**به گزارش «توسن»، علی‌اوسط هاشمی سال ۹۴ را به عنوان سال فرهنگ در سیستان و بلوچستان نام گذاری کرده و گفته بود بدنبال آن است هر ماه یک رخداد فرهنگی در این استان برگزار شود اما این شعارها با گذشت دو سال از مدیریت وی در استان و گذشت شش ماه از ابتدای امسال هنوز رنگ واقعیت به خود نگرفته و در حد شعار باقی مانده‌است**~~

شاید آخرین رویداد بزرگ فرهنگی سیستان و بلوچستان به برگزاری شانزدهمین نمایشگاه کتاب استان در بهمن سال گذشته بازگردد، نمایشگاهی که باز هم نتوانست کارنامه‌ای فرهنگی برای مدیریت استان در سال ۹۳ رغم بزند.

در مجموع سال ۹۳ برای عرصه فرهنگ فقط شعارهای پر طمطراق به همراه داشت، چون رخدادهای فرهنگی این سال نسبت به سال قبل آن، روند نزولی به خود گرفته بود، در این سال بر خلاف سال ۹۲، نه از جشنواره فیلم فجر خبری بود و نه از جشنواره موسیقی فجر. در واقع برخلاف شعارها، نتنها در سال ۹۳ عرصه فرهنگ استان روند روبه‌جلویی در برنامه‌ها و عرصه‌های زیرساختی نداشت، بلکه کاملاً شیب منفی را دنبال کرد.

اما به عقیده فرهنگ‌دوستان، شعارهای فرهنگی به تنهایی نمی تواند انتظار فعالان فرهنگی و مردم استان را جلب کند، بلکه مقوله فرهنگ در سیستان و بلوچستان نیازمند توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و برنامه‌ای است.

سال ۹۴ نیز که از سوی استاندار سال فرهنگ نامگذاری شده، تا کنون فرهنگی نبوده است، به گونه‌ای که نه امسال جشنواره مطبوعات برگزار شده و نه شواهدی برای برگزاری جشنواره‌های فجر دیده می‌شود.

شعارهای فرهنگی استاندار در سال جدید آنقدر آرمان‌گرایانه بوده است که واکنش فعالان سیاسی اصلاح طلب را نیز به همراه داشته است.، محمد تقی رخشانی از اصلاح‌طلبان سیستان و بلوچستان همین چند وقت پیش (۲۶ مرداد ۹۴) در گفتگو با یک پایگاه خبری در واکنش به شعار سال استاندار سیستان و بلوچستان گفت: «به خاطر داریم که استاندار در آغاز سال فرمودند سال گذشته سال اقتصاد بود و امسال سال فرهنگ و اجتماع است، پنج ماه از سال گذشته فرهنگ تعطیل بوده، حالا هم کسی سکاندار مدیریت فرهنگ استان شده که گزینه ی استاندار نبوده، خب وضع معلوم است»

رخشانی در این مصاحبه پای انتقاد را از این هم فراتر گذاشته و علی اوسط هاشمی را مدیری ضعیف دانسته و گفته است: « در مورد ارشاد (مدیرکل کل فرهنگ و ارشاد اسلامی) هم بدون اظهار نظر [هاشمی] در مورد شخصیت فرد انتصابی، گزینه ای حکم مدیریت گرفت که در لیست استاندار نبود و اینها نشانه های قوت مدیریت نیست و حاکی از ضعف مدیریت استان است»

با وجود انتقادهای اهالی فرهنگ نسبت به رویکرد شعاری استاندار و انتقادهای اصلاح‌طلبان از نحوه مدیریت استان، استاندار در نشست خبری هفته دولت برای فرار از انتقادها از احتمال کلنگ زنی یک مجتمع فرهنگی-هنری در زاهدان خبر داد که هنوز خودش به یقین این سرمایه‌گذاری نرسیده بود.

این مجتمع فرهنگی هنری که قرار بود با سرمایه گذاری ۲۰۰ میلیارد تومانی بخش خصوصی، دو سینما، یک هتل پنج ستاره و ۱۵۰ غرفه تجاری داشته باشد هرگز در هته دولت کلنگ زنی نشد و فعلاً در حد وعده‌ای مانند وعده‌های دیگر باقی مانده است.

به عقیده تعدادی از مردم سیستان و بلوچستان ساخت چند سالن سینما در شهرهای مختلف استان حداقل انتظار آنها از سال فرهنگ در این استان است، به گزارش انجمن سینما داران ایران هیچ سالن سینمایی در زاهدان وجود ندارد و سالن‌های آن تعطیل شده است.

برخلاف این خبر، مسئولان انجمن سینما جوان زاهدان در گفتگو با خبرگزاری دولتی ایرنا، سالن اجتماعات اشراق اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان که تنها به امکانات پخش فیلم مجهز شده را تنها سینمای استان معرفی کرده و گفته‌اند این سالن پاسخگوی نیاز مردم نیست.

اگرچه همه مقوله فرهنگ داشتن سینما در شهرها نیست، اما داشتن سینما مقدمه‌ای برای توسعه زیرساخت‌های فرهنگی است، استان‌های کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان در همسایگی سیستان و بلوچستان به گواه فعالیت های فرهنگی و هنری توجه بیشتری به مقوله فرهنگ داشته‌اند. مراکز این استان‌های به ترتیب سه، دو و دو سینمای فعال دارند.

با وجود وضعیت نامناسب عرصه فرهنگ و هنر در سیستان و بلوچستان، حسین مسگرانی مدیرکل تازه نفس این اداره کل ارشاد سیستان و بلوچستان تصمیمات جدی در باره این دستگاه گرفته است. به گزارش مهر، وی به رسانه‌ها گفته است: «بدنه اداره کل فرهنگ و ارشاد نیاز به ترمیم دارد و برای موفق بودن در این راه ملاک هایی را برای اداره فرهنگ و ارشاد در نظر گرفته ایم که باید همه پرسنل فعال در این اداره آنان را رعایت کنند، قانونمندی و توجه ویژه به اهالی فرهنگ و هنر، توجه به هنرمندان و اصحاب رسانه و فرهنگ به همراه عنایت ویژه به حوزه فرهنگ از مهمترین این ملاک ها هستند»

وی توسعه مسائل فرهنگی، اجتماعی و هنری استان را مهمترین الویت این اداره کل در آینده نزدیک خوانده و گفته است: فضای فرهنگی و هنری استان بسیار نیاز به نشاط دارد و باید در مورد این مسئله اقداماتی لازم صورت گیرد که از جمله آن می توان اجرای نمایش های تئاتر بسیار در استان باشد و این نیز همت بالای هنرمندان بزرگ تئاتر استان را می طلبد.

وی ادامه داد: برای ایجاد نشاط در جامعه باید نشست های فرهنگی با هنرمندان به طور مستمر و متعدد برگزار شود چرا که چنین نشست هائی زمینه ساز تحولی نو فرهنگی در فضای شهری خواهد شد.

اطلاعات سالن‌های سینما در مراکز سه استان همسایه سیستان و بلوچستان				
ردیف	نام سینما	درجه	ظرفیت	شهرستان
1	شهر تماشا 1 و 2	ممتاز	480	كرمان
2	آسيا	يك	614	كرمان
3	مهتاب	يك	736	كرمان
4	ستار جنوب	يك	207	بندرعباس
5	ستاره شهر	يك	229	بندرعباس
6	بهمن	يك	263	بيرجند
7	فردوس	يك	600	بيرجند
تمامي سينماهاي سيستان و بلوچستان تعطيل شده و اين استان هيچ سالن سينمايي ندارد.				

گفتگو «توسن» با یاسین کیانی، منتقد فرهنگی:

زاهدان، شهر وادادده در مقابل مدرنیته

به گزارش سرویس فرهنگ و اندیشه توسن، یاسین کیانی متولد ۱۳۷۲ در زاهدان ، فارغ التحصیل سازمان پرورش استعدادهای درخشان(سمپاد) از مجتمع آموزشی شهید بهشتی زاهدان، دانشجو سال پنجم دکتری داروسازی در دانشگاه علوم پزشکی زابل ، دبیر کانون مطالعاتی مصباح دانشگاه علوم پزشکی زابل ، رتبه اول کشور در رشته های مقاله نویسی و اثر ادبی در دو دوره متوالی جشنواره فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی کشور و از همکاران تحریریه سرویس فرهنگ و اندیشه هفته نامه توسن.هم اکنون ایشان از طریق درگاه اینترنتی 1fanoos.ir آخرین مقالات خود را در حوزه فرهنگ واندیشه و رسانه در رابطه با مسایل استان و کشور قرار می دهند. با ایشان در رابطه با ارزیابی فرهنگی شهر زاهدان به گفتگو نشستیم.

«توسن»: ارزیابی شما از روند فرهنگی مذهبی شهر زاهدان چیست ؟

کیانی: زاهدان به لحاظ تاریخی از جمله شهرهای مولود دوران مدرنیزاسیون رضا خانی به حساب می آید و بعدها به دلیل مرکزیت و اهمیت سیاسی وتمرکز ادارات دولتی و همچنین عطش تازه به وجود آمده ی شهر نشینی و موج مهاجرت مردم از روستا ها به سمت شهرها، زاهدان تبدیل به یک شهر مهاجر نشین و چند فرهنگی شد.اکثر جمعیت امروز زاهدان با فاصله ای یکی دو نسله،فرزندان مهاجرانی هستند که از اقصی نقاط ایران به این شهر تازه متولد شده و پررونق آمده اند. قومیت های مختلفی مثل بلوچ و سیستانی و یزدی و کرمانی و بیرجندی و ... بافت قومیتی زاهدان را تشکیل می دهند این مهاجر پذیری و نا همسانی فرهنگی و مذهبی از یک طرف و قدمت نه چندان زیاد زاهدان از نظر تاریخی باعث شده که نتوانیم این شهر را شهری با هویت مستقل به حساب بیاوریم.یعنی از کنار هم بودن این اجتماع نا همگون انسانها از خرده فرهنگ های قومیتی متفاوت،هنوز مدت زمان چندانی نگذشته و در نتیجه نمیتوان گفت تجربه ی تاریخی مشترکی شکل گرفته که پایه ی یک هویت مستقل در این شهر تازه تاسیس را شکل دهد حالا این بی هویتی را که بگذاریم کنار فرآیند سریع مدرنیزاسیون و تجدد گرایی نا متقارنی که از دوران رضا خان آغاز شد و حتی پس از انقلاب هم آن چنان که باید کنترل نشد و گاه به آن دامن هم زده شد،میرسیم به وضع فعلی فرهنگی زاهدان.
مثلا یک خانواده ی یزدی را هنگامی که در یزد زندگی میکند تصور کنید.این خانواده در پیوند عمیقی با یک سنت لا اقل چند صد ساله ندگی میکنند.همه ی اطرافیان و همسایه ها و فامیل و همشهری هایشان با آنها به یک لهجه صحبت میکنند،با آداب و رسومی مشترک زندگی میکنند و به سنتهای مشترکی پایبندند.و زندگی و رفتار در چارچوب این سنت ها باعث تایید و تشویق اجتماعی و عمل نکردن به آنها باعث طرد شدن و سرزنش دیگران میشود .سنتهایی که مثلا عزاداریهای مشهور و با شکوه دهه ی محرم هم بینشان است .یک جریان فرهنگ تازه وارد(مثلا فرآیند تجدد) روی چنین خانواده ای در چنین فضایی تاثیر متفاوتی میگذارد نسبت به زمانیکه همان خانواده از شهر و دیارش بن کن شود و بیاید مثلا در زاهدان زندگی کند

واقعیت این است که زاهدان به دلیل فقدان سنت و هویتی واحد و قابل اعتنا به شدت در مقابل تغییرات فرهنگی (که در طول سده ی اخیر عموما به سمت تسلط فرهنگ وارداتی مدرن پیش رفته) منفعل و آسیب پذیر است.به همین دلیل است که همین امروز مثلا سبک زندگی یک سیستانی مقیم زاهدان با یک سیستانی مقیم سیستان یا یک بلوچ زاهدانی با یک بلوچ در مناطق ریشه دار تر بلوچستان تفاوت بارزی دارد و به سبب همین انفعال و بی هویتی فرهنگی ،این شکاف روز به روز عمیق تر میشود
پس امروز مهمترین معضلات فرهنگی شهری مثل زاهدان را باید در قالب همین وادادگی مفرط و عدم مقاومت در برابر فرهنگ نوظهور مدرن جست و جو کرد

«توسن»: در زمینه مسائل فرهنگی ، خانواده های زاهدانی در چه وضعیتی قرار دارند؟

کیانی: زاهدان مثل همه ی شهرهای نوظهور جهان سومی با شکاف طبقاتی نهادینه شده و رشد یابنده ای دست و پنجه نرم میکند که باعث شده هرگونه تحلیل اجتماعی ملزم به این تفکیک طبقاتی باشد.خانواده های زاهدانی هم از این قاعده مستثنی نیستند.
خانواده های قشر محروم زاهدان به معنای واقعی کلمه در فقر مطلق به سر میبرند و از تامین نیاز های اولیه ی خود هم عاجزند.در چنین وضعیتی به مصداق حدیث «کاد الفقر ان یکون کفرا» این نوع از فقر مطلق و دست و پا زدن برای پاسخگویی به ساده ترین و ضروری ترین نیاهای زندگی در سطح فرهنگی فجایع عمیقی می آفریند.جوانانی که در چنین وضعی زندگی میکنند مستعد انواع و اقسام نا هنجاری های فاجعه بار از اعتیاد و فساد اخلاقی گرفته تا انواع بزهکاریها ی خرد و کلان و حتی گاهی تروریسم خواهند بود
در مقابل چنین سطح غیر قابل توجیهی از فقر و محرومیت،قشر مرفه جامعه ی شهری زاهدان به معنای واقعی کلمه در اوج رفاه و آسایش و ثروت اندوزی زندگی میکنند.دیدن خانه های میلیاردی و اتومبیل های چند صد میلیونی دیگر امروز جزئی از زندگی روزمره ی مردم زاهدان محسوب میشود و این قشر از جامعه هر روز بیشتر و شدیدتر از دیروز به نمایش ثروت خود و تفاخر و فخر فروشی به اقشار ضعیف جامعه دست میزنند.ثروتی که در یک نظام اقتصادی شبه سرمایه سالارانه و آن هم در شهری نیمه تجاری ،روز به روز بیشتر هم خواهد شد
و در میان این دو قشر مرفه و فقیر ،طبقه متوسط شهری زاهدان زندگی میکنند. خانواده هایی که اگرچه در تامین نیاز های اولیه با مشکلی مواجه نیستند و فقیر محسوب نمیشوند اما با پدیده ی دیگری به نام «فقر نسبی» یا «احساس فقر» دست و پنجه نرم میکنند.این مفهوم بیشتر از آنکه اقتصادی باشد یک پدیده ی فرهنگی ست.انسانها همیشه خود را با اطرافیانشان در جامعه مقایسه میکنند و در جریان این مقایسه به تعریفی از وضعیت فعلی خود میرسند .مثلا خانواده ای که وسیله ی نقلیه اش پراید است در شهری که اکثر مردمش پراید سوار میشوند احساس فقر و ضعف نمیکند ولی وقتی در شهری مثل زاهدان در خیابانها کنار ماشینهای وارداتی چند صد میلیونی رانندگی میکند قطعا با مشاهده ی این تفاوت،و مقایسه ی خود با قشر مرفه جامعه ،احساس فقر میکند.
احساسی که تبعات فرهنگی فراوانی خواهد داشت.

وقتی به قشر پر درآمد و مرفه جامعه که هر روز هم مرفه تر و پر درآمدتر میشود اجازه داده شود که به راحتی ثروت خود را به رخ دیگران بکشد و دیگران را دچار احساس کمبود و ضعف کند،قطعا دیگران هم تمام سعی خود را در جبران این کمبود به کار میگیرند.به این ترتیب جامعه به سمت مادی شدن حرکت کرده و پول به ارزش اصلی در اذهان مردم تبدیل خواهد شد.ولع ثروت اندوزی و تجمل گرایی مفرط در میان قشر متوسط جامعه ی زاهدانی که بخش مهمی از آن را هم تشکیل میدهند از این مسئله ناشی میشود و طبیعتا به همان اندازه که ارزشهای مادی در جامعه پررنگ تر شوند،باور ها و ارزشهای معنوی رنگ خواهند باخت

«توسن»: فکر می‌کنید در حال حاضر در زمینه مسائل فرهنگی و تربیتی ، کودکان و نوجوانان زاهدانی در چه وضعیتی قرار دارند؟

کیانی: علاوه بر معضلات فوق الذکر خانواده ها که قاعدتا کودکان هم از آنها مستثنی نیستند،کودکان زاهدانی مانند دیگر کودکان شهر نشین امروزی ،علاوه بر خانواده و مدرسه که مراجع سنتی تربیت به حساب می آیند ، از طریق ابزار های ارتباط جمعی و رسانه ها نیز داده ی فرهنگی و تربیتی دریافت میکنند.
و نقش این تربیت رسانه ای همزمان با گسترش دامنه ی اثر رسانه های مدرن ،رو به روز بیشتر شده و تربیت خانوادگی را محدود و محدودتر میکند
مثلا تلویزیون به عنوان همه گیر ترین و سهل الوصول ترین رسانه ی ارتباط جمعی امروزی،اهتمام به آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان را از وظایف خود میداند و برای آن برنامه ریزی دقیقی هم انجام میدهد .این در حالیست که تلویزیون به عنوان یک رسانه ی تصویری فی نفسه چیزی بیش از یک ابزار تفریح و سرگرمی نیست.و چیزی بیش از تحریکات سرگرم کننده ی حسی و دیداری ارایه نمیکند.قالب یک برنامه ی کودک تلویزیونی در شکل ایده آلش مثلا نمیتواند شاهد یک مادربزرگ قصه گو باشد که نشسته روبروی لنز دوربین و داستان تعریف میکند.پخش چنین برنامه ی کودکی فاقد جاذبه ی بصری است و در نتیجه یک برنامه ی تلویزیونی خوب به حساب نمی آید. همان کودکی که ساعتها با شوق و ذوق پای قصه گویی مادر بزرگ خودش می نشیند ، از دیدن یک پیرزن قصه گوی خشک و خالی روی صفحه ی تلویزیون حوصله اش سر میرود. چیزی همان شبیه تجربه های تلخی که نسل ما با سخنرانیهای خواب آور خانم مجری های دوران کودکیمان داشتیم! این دست مسائل نشان دهنده ی تفاوت ماهوی نوع تربیتیست که رسانه ای مانند تلویزیون (به عنوان یک ابزار سرگرمی که تمام جذابیتش به بازیهای نور و صدا و رنگ و موسیقیست) میتواند ارایه کند و تربیتی که یک کودک در محیط خانواده دریافت میکند.
حالا فرض کنید که در بهترین حالت ممکن و با این فرض که خانواده دقیق ترین کنترل را روی نوع استفاده ی کودک از این ابزار های رسانه ای داشته باشند و بهترین برنامه های آموزنده و مناسب رده ی سنی فرزندشان را انتخاب کرده و در اختیارش بگذارند،باز هم تربیت رسانه ای حامل آسیب های فراوانی خواهد بود

مثلا کودک یا نوجوانی را فرض کنید که هسته ی باور های مذهبی اش را از یکی از این برنامه های آموزنده ی تلویزیونی بگیرد.این پیام های مذهبی به سبب ذات رسانه ای مانند تلویزیون از مجرای سرگرمی و لذت سمعی و بصری و احتمالا موسیقی و آواز حتی گاهی حرکات موزون به مخاطب خردسال میرسد. این تلاش تربیتی حتی اگر موثر واقع شود و داده ی مذهبی مدنظر ما هم به کودک منتقل شود،در جریان این انتقال به طور نا خود آگاه اصالت و برتری به سرگرمی و لذت داده خواهد شد نه باور مذهبی. چرا که کودک باورمذهبی اش را از لذت و سرگرمی گرفته و نه بالعکس.

و این در حالیست که بخش مهمی از پایبندی به مذهب در مفهومی به نام تهذیب نفس نمایان میشود به این معنی که انسانها باید از بسیاری از لذت های مادی و دنیوی به خاطر امر قدسی و ایمان دینی شان بگذرند .حالا نوجوانی را تصور کنید که تمام عمر ،همه ی مفاهیم اخلاقی و مذهبی و باور های دینی اش را به لطف سرگرم کننده و لذت آفرین بودنشان از طریق صفحه ی تلویزیون دریافت کرده،حالا آیا میتواند به راحتی از آن لذت و سرگرمی به خاطر باورهای مذهبی اش عبور کند؟

«توسن»: راهکار های فرهنگی شما برای ارتقا فرهنگی مذهبی شهر زاهدان چیست؟

کیانی: اگر بپذیریم که مهمترین مانع ارتقای فرهنگی مذهبی شهر، هجوم فرهنگ بیگانه یا غربی یا... در یک کلمه مدرن است،حالا دو راه مقابله و مقاومت پیش روی ماست. یک روش تکیه و تاکید بر «سنت» های قومی و مذهبی و ... و تلاش برای حفظ همه ی آنچه پیش از این داشته ایم و تاکید بر عدم تغییر آن است. شبیه مثال آن خانواده یزدی و پشتوانه ی سنتی شان.

همان طور که گفتیم چنین سنت و هویتی را به طور خاص و مستقل نمیتوان به کلیت شهری مانند زاهدان که از تاسیسش چیزی حدود یک قرن میگذرد نسبت داد و از طرف دیگر مقاومت متکی به سنت ،روشی پایدار برای محافظت اجتماعی در برابر فرهنگ مهاجم نیست.چرا که مبتنی بر روابط قرار دادی و خونی و نسبی و تاریخی انسانهاست نه عقلانیتشان. مقاومت یک جامعه ی سنتی دیر یا زود در گذر زمان و طی جابجایی نسلها شکسته خواهد شد.
حالا اگر بخواهیم راهکاری پایدار و منطقی برای نجات اجتماع شهریمان از سقوط فرهنگی ارایه کنیم باید روی یک مفهوم تکیه کنیم و آن هم چیزی نیست جز «عقلانیت»

فرهنگ و تمدن مدرن ذاتا تمدنی غریزی است و بر پایه ی نگاه و تعریف مادی و در نتیجه غریزی از انسان شکل گرفته است. تنها راه مقابله ی موثر با تفکری که انسان را ماشین ارضای غرایز میداند، تاکید بر کنش عقلانی و زندگی مبتنی بر تعقل است.چیزی که بی شک همه ی ادیان توحیدی نیز بر آن اصرار میورزند.
برای پایه ریزی تمدنی مبتنی بر تعقل نیاز به ساختن فرهنگی متکی بر عقلانیت داریم و برای ساختن جامعه ای با فرهنگ عقلانی نیاز به ارایه ی داده های فرهنگی که مستقیما با تعقل انسانها سخن میگویند حس میشود. وضعیت نشر و توزیع کتاب (به عنوان مهمترین ابزار انتقال این داده های عقلانی) در شهری مانند زاهدان به خوبی نشان میدهد کجای این مسیر قرار گرفته ایم و چه قدر راه نرفته باقیست.
کافیست تعداد فست فود ها و لباس فروشی های شهر را(که عرضه کننده ی کالاهای مرتبط با نیاز های غریزی خوردن و پوشیدند) با تعداد کتابفروشیهای شهر مقایسه کنیم تا حساب کار دستمان بیاید.

«توسن»: از نظر محتوایی مساجد زاهدان را چگونه ارزیابی می کنید و مهمترین دلیل حضور کمرنگ جوانان در مساجد را چه میدانید؟

کیانی: در تحلیل وضعیت مساجد مهمترین مسئله اینست که نباید به نگاه بخشی و جزء نگر بسنده کرد.مشکل اینجاست که همیشه به دنبال علت عدم اقبال به مسجد توسط جوانان،درون خود مساجد میگردیم و به علل بیرونی توجهی نداریم.و نهایتا در اقدامی انقلابی جهت افزایش جاذبه ی مسجد بودجه تصویب میکنیم و بخشنامه صادر میکنیم که رنگ کاشیهای مسجد تغییر یابد!
واقعیت اینست که پدیده هایی مثل کاهش حضور جوانان در مسجد معلول و نتیجه ی جریان تغییرات فرهنگی کلان اجتماعیست که نتایج آن را در همه ی بخش ها میشود دید.از نوع پوشش و سبک زندگی گرفته تا ارتباطات و تفریحات جوان زاهدانی مدرن. روزگاری مساجد مرکز همه ی فعالیت های اجتماعی به حساب می آمدند.از محل برگزاری اجتماعات فرهنگی و سیاسی گرفته تا جشن ها عزاداری ها. حتی معماری شهری حول محور مساجد شکل میگرفت و مثلا مسجد جامع شهر در مرکز و سپس در اطراف آن بازار و پس از آن خانه ها بنا میشدند.این نوع از محوریت یافتن مسجد مهمتر از هر چیز به نوع جهانبینی موحدانه ی حاکم بر شهر سنتی ناشی میشد. وقتی گروهی از مردم هدف از کار و تجارت و خرید و فروش و امرار معاششان را در قرب و رضای الهی ببینند مسلما خانه ی خدا حتی از حیث جغرافیایی هم مرکزیت خواهد یافت.

این در حالیست که امروزه و علی الخصوص در شهر ها و کلانشهرهای مدرنی مانند زاهدان و به اقتضای فرهنگ مدرن،سطحی از سکولاریسم فرهنگی وجود دارد که روز به روز هم گسترده تر و قوی تر از گذشته خود نمایی میکند.جداسازی عبادت از ساحت زندگی روزمره و به طور کلی جداسازی دین از امور دنیوی مفهومیست که مهمترین عامل کاهش اثر گذاری و اقبال به مسجد میشود. در جامعه ای که مثلا یک اجتماع سیاسی یا یک همایش فرهنگی هنری،امری عبادی و مربوط به دین محسوب نمیشود طبیعتا مسجد که روزگاری محور همه ی این اتفاقات بود به حاشیه رانده میشود.
پس کم رونق شدن مساجد بخشی از یک فر آیند فرهنگی کلان است که برای مقابله با آن به نگاهی فرهنگ محور و ژرف نگر نیاز داریم .راه حلی که بی شک از همان مجرای گسترش عقلانیت اجتماعی خواهد گذشت.

«توسن»: شهر زاهدان دارای دانشگاه های بزرگ و متنوع است و جمعیت دانشجویان شهر به نسبت جمعیت بالاست. ارزیابی فرهنگی شما از این وضعیت چیست؟

کیانی: زاهدان با داشتن دانشگاههایی مثل دانشگاه سیستان و بلوچستان که دومین دانشگاه پرجمعیت کشور به حساب می آید و همچنین دانشگاههای پرجمعیت آزاد و پیام نور و غیر انتفاعی و ... به نسبت جمعیتش ،از شهرهای دانشگاهی کشور به حساب می آید فارغ از اینکه این تعداد دانشگاه و و دانشجو و فارغ التحصیل در سال تا کنون چه تاثیر عملی در بهبود شرایط استان و شهر داشته اند و این دانشگاهها واقعا تا کنون چه تعداد متخصص کار آمد بومی تربیت کرده اند،تبعات فرهنگی این رشد پرسرعت فضاهای دانشگاهی در سطح شهر بسیار قابل تامل است.
طی صد ساله ی اخیر الگوی توسعه ی «مرکز – پیرامونی» در ایران ، شکاف اقتصادی و فرهنگی عمیقی بین بخش هایی از کشور که بیش از دیگران در جریان مدرنیزاسیون قرار گرفته اند و مناطقی که خارج از این جریان بوده اند ایجاد کرده .شکافی که در سطح اقتصادی باعث توزیع نامتقارن سرمایه و کار و رشد نابرابر اقتصادی در سطح کشور شده و در لایه ی فرهنگی ،عدم توازنی عمیق بین بخش مدرن و در نتیجه غربی شده ی جامعه (عمدتا در کلان شهر های صنعتی)و بخش سنتی و کماکان مذهبی آن (که استان و شهر ما هنوز جزئی از ان است) ایجاد کرده است. تفاوتی که نمونه هایش را در سطوح مختلف تفکر و زندگی این دو گروه میتوان دید،از سبک زندگی و میزان پایبندی مذهبی گرفته تا نوع پوشش و الگوی کنشهای اجتماعی و حتی سلیقه ی سیاسی. رشد مدیریت نشده و بی حساب و کتاب دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ، بدون توجه به نیاز های واقعی و مهمتر از آن اقتضائات فرهنگی جامعه ی بومی ، باعث سرایت و گسترش این عدم توازن و نا هماهنگی فرهنگی در سطح استان و شهر ما نیز شده

هجوم سیل آسای دانشجویان غیر بومی خصوصا از کلان شهرهای مدرن،روی جامعه ی نسبتا سنتی بومی بی تاثیر نیست . علی الخصوص که این قشر به واسطه ی دانشجو بودن ،صاحب احترام و تحسین اجتماعی نیز هستند و سریعا به الگوی جوانان بومی تبدیل میشوند.

این در حالیست که این گروه، به واسطه ی رسوب تفکرات طبقاتی و معیارهای مدنیت مدرن فرهنگ خودشان را با ارزش تر از معیار ها و هنجار های میزبان میبینند و در نتیجه خود را ملزم به رعایت این هنجارها نخواهند دانست.

«توسن»: ارزیابی شما از مراکز فعال فرهنگی و فعالیت جریان ارزشی زاهدان چگونه است؟

کیانی: در طول چند سال اخیر جریان های مردمی انقلابی و ارزشی در سطح کشور حرکت جدیدی را شروع کرده اند و فعالین فرهنگی انقلابی استان و زاهدان هم از این قاعده مستثنی نبوده اند.
تفاوت اصلی سیر جدید فعالیت های فرهنگی انقلابی با گذشته در تاکید و اصرار بر تولید علم با رویکرد تمدنی ست.حزب الله حالا دیگر فقط به عنوان یک خط تفکر سیاسی که نهایت اثر گذاری اش در فعالیت های میدانی سیاست به عنوان پیاده نظام احزاب و افراد سیاسی مطرح نیست بلکه جریان جوان انقلابی حالا با نگاه به افق تمدن سازی اسلامی دست به تولید علم و فعالیت ایجابی تئوریک زده اند که آثارش را در آینده ملموس تر خواهیم دید.
این تغییر رویکرد در فاز بومی اش در شهر زاهدان بیشتر از هر چیز به انس گرفتن همه ی فعالین فرهنگی و ارزشی و در نتیجه فعالیت و کنشگریشان با روح کتاب (که همان روح تفکر وعلم و تعقل است) نیاز دارد.اتفاقی که در صورت تحقق،بزرگترین نقطه ی ضعف فعالین فرهنگی شهر زاهدان که همان مطالعه ی ناکافی و در نتیجه رفتار های گاه نه چندان متعقلانه و احساسی ست پوشش داده خواهد شد.

«توسن»: ارزیابی شما از فعالیت های سیاسی در زاهدان چگونه است؟

کیانی: فعالیت های سیاسی در سطح استان سیستان و بلوچستان به طور عام و در شهر زاهدان به طور خاص به سنتی ترین شکل ممکن، بر مبنای شکاف های قومیتی و مذهبی شکل گرفته است.
تقریبا عامل محرک همه ی رفتار ها و فعالیت های معطوف به سیاست چه در سطح مردمی و چه در سطح خواص و نخبگان سیاسی در شهر زاهدان، حب و بغض های قومیتی و مذهبیست
رفتاری که فارغ از نا کار آمدی سیاسی و در نتیجه تشدید عقب افتادگی و محرومیت استان، در منطقه ای با شکاف های قومی و مذهبی مانند شهر زاهدان منشا خطرات و اسیبها و حتی فجایع جبران ناپذیری خواهد بود.چرا که این شکاف ها را روز به روز عمیق تر کرده و توده های مردم را روز به روز از هم دور تر و به هم مظنون تر خواهد ساخت.روندی که اگر با تمام توان متوقفش نکنیم در آینده ای نه چندان دور آسیب های جبران ناپذیری به بار خواهد آورد

توسن
هفته نامه
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
حسنعلی نوری
زیر نظر شورای سردبیری

****

سرویس اجتماعی: محمدهادی طهرانی مقدم
سرویس حوزه: حجت احسان منش
فرهنگ و اندیشه: مجتبی جهانتیغ
تاریخ معاصر: مجتبی جهانتیغ
سرویس دفاع مقدس: سعید شهرکی
سرویس دانشگاهی: محمد پاکنهاد
سرویس سیاسی: مرتضی خسروی

****

تلفکس: ۰۵۴۱-۳۲۲۳۳۹۶
نشانی: زاهدان - کوچه حافظ - جنب مسجد جامع - دفتر هفته نامه توسن
طراح و صفحه آرا: محمد پاکنهاد